

گفتگو

۱۵
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)
بهار ۱۳۸۸



t.me/asmaaneh
asmaaneh.com

گولستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۸۸
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستان‌های چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سردبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهره‌اھری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام یازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سیدمهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمدرضا رحیم‌زاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهره رهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی‌الله کاوسی، مهدی گلچین عارفی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: پارسا بهشتی
امور دفتری: طیبه ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرننگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران‌خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی‌عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیک سردبیر: Qayyoomi@eiah.org

مهرداد قیومی بیدهدی ♦ سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها ♦ ۵

فرهاد نظری ♦ کتاب عکس علی خان والی ♦ ۲۱

عمادالدین شیخ‌الحکمایی، محمودرضا جعفریان ♦ کتابچه برآورد مخارج راه‌سازی مازندران از حسین‌قلی قاجار مهندس ♦ ۳۶

فرهاد تهرانی، شیما بکاء ♦ معرفی و تحلیل نخستین نقشه مسطحه شهر تهران ♦ ۴۵

محمد مهدی عبدالله‌زاده ♦ معمار دوره گذار، نگاهی به خاطرات ممتحن‌الدوله ♦ ۵۳

سیدحسین رضوی برقی ♦ معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه ♦ ۶۴

فاطمه گلدار ♦ مقام و مصداق‌های آن در سفرنامه ناصر خسرو ♦ ۷۱

مهدی مکی‌نژاد ♦ کاشی‌کاران گمنام دوره قاجاریه (۲): خاندان خاک‌نگار مقدم ♦ ۸۰

عباس حسینی ♦ بچه‌خوانی، نخستین کتاب‌های مصور کودک و فرهنگ عامه در ایران ♦ ۸۷

علیرضا اسماعیلی ♦ نور علی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد ♦ ۹۷

حسین عصمتی ♦ تأثیر ادبیات حماسی فارسی بر نگارگری ایرانی ♦ ۱۰۷



◆ **گلستان هنر** فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در فصل منتشر می‌شود.

◆ **مقالات گلستان هنر** میان آراء صاحبان آنهاست.

◆ هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر **گلستان هنر** فقط با ذکر مأخذ بلامانع است.

◆ **گلستان هنر** در این موضوعها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روش‌های تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موازیت هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله در زمینه تاریخ هنر، معرفی کتاب در زمینه تاریخ هنر.

◆ مقاله را به یکی از این نشانی‌ها بفرستید:

۱. Qayyoomi@ciah.org

۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲

۳. با پست سفارشی یا پیمانه به نشانی:

تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،

کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از رسیدن به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

◆ لطفاً در تنظیم مقاله به این نکته‌ها توجه کنید:

- مقاله‌تان را حداکثر در ۶۰۰۰ کلمه (در حدود ۲۰ صفحه تایپ‌شده) در قالب Word یا Open Office یا InDesign تهیه کنید.

- هر مقاله باید چکیده داشته باشد؛ حداکثر در ۲۵۰ کلمه.

- مأخذ هر نوع نقل قول، مستقیم یا غیرمستقیم، را به دقت ذکر کنید.

- از ارجاع به روش درون‌متنی (نظام نویسنده- تاریخ) خودداری کنید.

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

پ صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

ت تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول

ج جلد

چ نوبت چاپ

ح در حدود

حک حکومت

ر صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

ر-پ صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی)

س سطر

سم سانتی‌متر

ش شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از رقم)

ص صفحه؛ صفحات

ف فوت

ق هجری قمری (بعد از رقم)

ق م قبل از میلاد مسیح (بعد از رقم)

گ برگ

م میلادی (بعد از رقم)

م م میلی‌متر

- م مترجم

نک: نگاه کنید به؛ رجوع کنید به

و ولادت

- و. ویراستار

همان همان مؤلف و همان اثر (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

همان‌جا همان اثر و همان صفحه (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

/ یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت

[] مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا ویراستار به متن منقول

{ } مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل

تکرار نام مؤلف (در کتابنامه)

- مشخصات مختصر هر منبع (نویسنده، نام کتاب یا مقاله، جلد و صفحه) را در بی‌نوشت و مشخصات کامل آن را در کتاب‌نامه بیاورید.

- از به‌کاربردن حروف غیرفارسی در متن مقاله خودداری و آنها را به پانویشت منتقل کنید؛ مگر در مباحث واژه‌شناسی.

- معادل اصطلاحات غیرفارسی یا اصطلاحات نامأنوس را در پانویشت بیاورید (عنداللزوم همراه با توضیح).

- اعلام غیرفارسی را، به زبان اصلی و از روی منابع معتبر به همراه تاریخ ولادت و وفات کسان، در پانویشت بیاورید.

- کلمات مهجور را اعراب‌گذاری یا آوانویسی کنید.

- در رسم‌الخط از دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) پیروی کنید.

- در مورد متن ترجمه‌شده، اصل متن را نیز، با ذکر دقیق مأخذ آن، به

ترجمه پیوست کنید.

- در متون ترجمه‌شده، زیرنویس هر نوع تصویر و نمودار و جدول را

ترجمه کنید؛ و در متون تألیفی، برای هر نوع تصویر و نمودار و جدول

شرح بیاورید.

- افزوده‌های نویسنده یا مترجم در عبارات منقول را در میان

کروشه [] بیاورید.

- در مطالب منقول، افزوده‌های مؤلف یا مترجم یا مصحح اول را در

میان آکولاد { } بیاورید.

- مطالب منقول را در میان گیومه روی سطر « » بیاورید.

- مطالب نقل در نقل در میان گیومه بالای سطر ' ' بیاورید.

- در موارد لازم، از راهنمای کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌های زیر استفاده

کنید.

- تصاویر مقاله را به صورت پرورنده رایانه‌ای همراه مقاله تحویل دهید و

در مقاله، شرح آنها را با ذکر مأخذ تصویر بنویسید.

- تصاویر باید در قالب tiff و دقت دست‌کم ۳۰۰ dpi تهیه شده باشد.

A.D. بعد از میلاد مسیح

B.C. قبل از میلاد مسیح

c. در حدود، در حوالی

ch. فصل

ed. ویراستار؛ مصحح

eds. ویراستاران؛ مصححان

f. و بعد؛ صفحه بعد

ff. و بعد؛ صفحات بعد

fig. تصویر

figs. تصاویر

ibid. همان مؤلف و همان اثر (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

no. شماره

nos. شماره‌های

p. صفحه

pp. صفحات

pl. لوحه

pIs. لوحه‌ها

r. صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

trans. ترجمه

v. صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

vol. جلد

vols. جلد‌ها



سیدحسین رضوی برقی

معماری حمام

در متون طب کهن و

مقدمه رساله دلاکیه

تاریخ پیدایش حمام کاملاً روشن نیست. بنا بر برخی از روایات افسانه‌ای، نخستین گرمابه را سلیمان پیامبر ساخت^۱ و بنا بر برخی روایات دیگر، جمشید پیشدادی^۲ شاید چشمه‌های آب گرم، که آب‌تنی در آنها آرامش‌آور است، اندیشه ساخت حمام را در ذهن پیشینیان پدید آورده باشد. از دیرباز برای هر یک از اقسام این نوع آب‌ها خواص درمانی خاصی قایل بوده‌اند^۳ و بر فراز این چشمه‌ها حمام می‌ساختند^۴ و احتمالاً همین منشأ پیوند طب و استحمام بوده است. در کتب و رسالات طب، سخنانی درباره خواص درمانی استحمام و آداب حمام رقتن هست که می‌توان از آنها دستور معماری حمام را بر مبنای طب سنتی استخراج کرد. یکی از این رسالات، که در این مقاله به معرفی آن خواهیم پرداخت، رساله دلاکیه، نوشته محمدکریم‌خان کرمانی در نیمه دوم سده سیزدهم هجری است. اما پیش از آن، روایاتی از کتب تاریخی و ادبی در باب حمام می‌آوریم تا چشم‌اندازی از زمینه تاریخی گرمابه‌سازی پیش روی خواننده بگستریم. پس از آن، بنای حمام و ارتباط آن را با اصول موضوعه علم طب سنتی بر مبنای رساله دلاکیه و بعضی دیگر از متون طب شرح خواهیم داد. سپس رساله دلاکیه را معرفی و در آخر، مقدمه رساله را، که موضوع بحث ماست، عیناً نقل می‌کنیم.

بنای حمام در روایات تاریخی و ادبی

به نوشته برخی محققان، در ایران پیش از اسلام ساخت گرمابه و استفاده از آن رواج چندانی نداشته و حتی گاهی با ساخت آن سرسختانه مخالفت می‌شده است.^۵ آورده‌اند که بلاش، پادشاه ساسانی (حک ۴۸۴-۴۸۸م)، چون خواست در شهرها حمام عمومی بسازد با خشم موبدان روبه‌رو شد؛ زیرا این کار را بی‌حرمتی به دین می‌شمردند.^۶

پس از اسلام، وجوب شستشوی تن برای گزاردن فرایض دینی موجب رونق گرفتن گرمابه‌سازی شد. گویا نخستین گرمابه دوران اسلامی حمام الفار باشد که در شهر فسطاط مصر به دستور عمرو عاص بنا کردند.^۷

در روزگار امویان، حمام را در کاخ خلفا می‌ساختند؛ قصیر عمره (۹۴-۹۷ق) و حمام صُرخ (۱۰۷-۱۱۰ق) و قصر الحیر الغربي (۱۱۰-۱۱۱ق) و خربة المفجر (۱۲۶-۱۲۷ق).

در فرهنگ اسلامی، حمام از دو جهت موضوع علم طب بوده است: نخست خواص درمانی حمام؛ دوم اصول بهداشتی در ساختن و نگاه‌داشتن حمام. از همین رو، حمام فصل مشترک طب و معماری است. بر مبنای طب کهن، حمام را باید بر اساس چهار طبع اصلی ساخت: گرم و سرد و خشک و تر، که با مزاج‌های فصول چهارگانه سال و خلط‌های چهارگانه بدن و رده‌های سال‌های عمر آدمی نیز متناسب است. حمام باید چهار بخش یا خانه داشته باشد؛ و معماری هر یک چنان باشد که آن را با یکی از طبایع یا اخلاط متناسب سازد. این موضوع در متون طب در خلال مطالب دیگر آمده است و متونی که در آنها به‌صراحت و استقلال به حمام پرداخته باشند اندک است.

رساله دلاکیه نمونه‌ای از این متون کمیاب است. این رساله را شخصی به نام محمدکریم‌خان کرمانی، به خواهش کربلایی رضا سلمانی، در نیمه دوم سده سیزدهم هجری نوشت. رساله دلاکیه حاوی مجموعه‌ای از باورهای دینی و اصول پزشکی کهن است. نویسنده در مقدمه رساله از معماری حمام سخن می‌گوید: چهار خانه حمام و ویژگی‌های آنها؛ اینکه باید سقف حمام را مرتفع بسازند و هر چندگاه شیشه روزن‌هایش را بردارند تا از عفونت هوا جلوگیری شود؛ اینکه در داخل حمام مستراح نساژند؛ و اینکه حمام در اتصال با بیرون دالان‌های پیچیده داشته باشد تا تبادل هوای آن با بیرون به حداقل برسد.

در انتهای این مقاله، متن مصحح مقدمه رساله دلاکیه آورده شده است.

کریستین پرایس گزارشی از یک نمونه از این حمام‌های تاریخی داده است:

هیچ کاخی بی‌گرما به‌ای مفصل کامل نبود. عربان، مانند رومیان، پاکی تن را بس مهم می‌دانستند. در شهرهای سوریه، عربان بسیاری از ساختمان‌های کهن را که از زمان رومیان مانده و ویران شده بود دیده بودند و گرما به‌ها را برگرده آنها می‌ساختند. در گرما به خربه المفجر، آرایش‌های دل‌انگیز با کنده‌کاری بر سنگ و حتی مجسمه آدمیان برآورده بودند. طاق در ورودی با مجسمه خلیفه در جامه سرخ آراسته شده و این در از رواقی گنبددار به تالاری بزرگ که کف آن با موزاییک پوشیده شده باز می‌شود. در سوی جنوب این تالار، استخری برای شنا بود و در سوی شمال اتاق‌های کوچک گرما به و تون آن قرار داشت. دو گرم‌خانه داشت که از زیر کف مرمرین و دیوارهای آنها لوله‌های هوای گرم می‌گذشت. همچنین دو اتاق سردخانه داشت و یک خزانه‌خانه و اتاقی بخار که از سوراخ‌های کف آن بخار بیرون می‌آمد. در کنار گرما به، تالار بار کوچکی بود که خلیفه در آن بار می‌داد و کف آن با زیباترین موزاییک‌ها آرایش شده بود و طرحی همچون یک فرش ایرانی داشت و یک نقش نیم‌دایره با درختی و سه آهو و شیری به رنگ‌های سیاه، آبی مایل به سبز و قهوه‌ای در آنجا برآورده بودند. به هنگامی که این ساختمان بر اثر زلزله‌ای به سال ۱۳۱۱ق ویران شد. تنها بخشی که بی‌درنگ ترمیم و به کار افتاد همین گرما به بود.^۸

در دوره عباسیان، حمام‌داری برای افراد و بزرگانی که از آن بهره می‌گرفتند سرچشمه درآمد هنگفتی شد که علتی برای شمار فراوان گرما به‌ها شد. در برخی منابع آمده است که مسلم بن ابی بکره از گرما به‌اش در بصره هزار درهم درآمد ماهانه داشت.^۹ به نوشته آدام متز^(۱)، «در قرن سوم، تنها در سمت شرقی بغداد پنج هزار حمام وجود داشت. در نیمه اول قرن چهارم تعداد حمام‌ها در شرق و غرب بغداد به ده هزار رسید»^{۱۰} که البته در دهه‌ها و سده‌ها بعد از تعداد آنها کاسته شد.

در سفرنامه ناصر خسرو، که گزارش سفرهای او میان سال‌های ۴۳۷ و ۴۴۴ق است، گزارش شیوه بنای گرما به بسیار اندک است؛ با آنکه نگاه او معمارانه بوده و در هر شهر به مساحت آن و بناهای اصلی‌اش پرداخته است. او از دو گرما به شهر مکه یاد کرده که «فرش آن سنگ سبز [است] که فسان^(۲) سازند»^{۱۱}

گویا در روزگار عنصر المعالی، حمام‌ها بسیار شلوغ بوده است: «و اگر گرما به خالی بود، غنیمتی بزرگ بدان که حکما گرما به خالی را غنیمتی دارند از جمله غنیمت‌های بزرگ»^{۱۲} شاید هم منظور این باشد که حمام خلوت بهداشتی‌تر است.

همو با اشاره به قسمت‌های مختلف حمام می‌افزاید: «چون به گرما به روی، اول به خانه سرد شو و یک زمان توقف کن؛ چندان که طبع از وی حظی یابد. آن‌گه در خانه میانگی رو و آنجا یک زمان بنشین تا از آن خانه نیز بهره یابی. آن‌گاه در خانه گرم شو و ساعتی همی‌باش تا حظ خانه گرم نیز بیابی»^{۱۳}

از همین مختصر می‌توان دریافت که گرما به در سرزمین‌های اسلامی تا چه اندازه اهمیت داشته است. گرما به هم محل شستشو، رفع خستگی، اصلاح سر و تن، درمان، و حجامت بوده است و هم مکانی برای گفتگو و تبادل نظر و خبر. همچنین بسیاری از قتل‌های تاریخ‌ساز در حمام واقع شده است. اعتقادات عامیانه راجع به حمام نیز خود مباحثی گسترده است. به همین علل، در متون تاریخی سخن از حمام و آداب آن بسیار است؛ هرچند آنچه برای سخن ما به کار می‌آید، یعنی استخراج قواعد و خصوصیات معماری گرما به‌ها در این میان فراوان نیست.

معماری حمام در متون طب سنتی

متأسفانه در بیشتر منابع عربی و فارسی به‌جامانده از آن روزگار، به شیوه ساخت گرما به و نظام مهندسی و ابزارهای به‌کاررفته، به‌قدر کیفیت نپرداخته‌اند و در کارنامه درس‌نامه‌های پزشکی و بهداشتی به زبان فارسی و عربی، نوشتارهایی که در آنها مستقلاً به موضوع «حمام و متعلقات آن» پرداخته باشند چندان نیست.^{۱۴}

اما از همین رسالات و منابع معدود چنین استفاد می‌شود که ساختمان حمام براساس چهار طبع اصلی طب کهن بنا می‌شده است: گرم و سرد و خشک و تر. مزاج فصول سال یا خلط‌های چهارگانه بدن و رده سال‌های عمر آدمی را نیز به همین مقیاس تعیین می‌کردند. سبب آن بود که علم قدیم بر نظام هستی‌شناسی‌ای استوار بود که در آن، جهان مادی را متشکل از عناصر اربعه می‌دانستند. سلامت تن آدمی را نیز در گرو تعادل اخلاط

(1) Adam Metz

(۲) نوعی سنگ که در قدیم برای تیز کردن کارد و شمشیر از آن استفاده می‌کردند

اربعه می‌شمرند. حال که ساختار طبیعت این‌چنین است و سلامت زمین و تن مردمان بر آن استوار شده، اگر حمام نیز بدین‌گونه ساخته نشود، بیماری‌زا خواهد بود.

ابن سینا معتقد بود که بنای حمام مانند طبیعت آدمی است که شامل اسطقس (چهار عنصر هوا و آتش و خاک و آب) و اخلاط (بلغم و صفرا و سودا و خون) و روح (نفسانی و طبیعی و حیوانی) است؛ یعنی از سنگ و آب و هوا تشکیل شده است.^{۱۵}

حکمای قدیم معتقد بودند که حمام را باید در ترازوی پایین‌تر از سطح زمین ساخت تا از تبادل حرارت آن با بیرون کاسته و گرم کردن آن آسان شود.^{۱۶} بنا بر متون، حمام چهار بخش یا «خانه» اصلی داشت:

۱. خانه اول

مزاج خانه اول سردخانه، رخت‌کن، بینه سرد و خشک است، که برابر فصل پاییز و خلط سودا در بدن است. شیزری در کتابش یاد کرده است که در خانه نخست، سکوهایی سنگی هست که بر آنها تشک و فرش می‌گسترند. در اینجا لباس‌ها را در می‌آوردند و به رخت‌آویز می‌آویختند یا بر طاقچه و رف می‌نهادند. محل حمامی^{۱۷} و دخل او نیز در همین‌جا بود. به گفته علی عباس اهوازی، حرارت این قسمت چندان نیست که بر بدن اثری داشته باشد.^{۱۸}

۲. خانه دوم

مزاج آن سرد و تر است، که برابر فصل زمستان و خلط بلغم در بدن است. برخی نویسندگان نام «گرم‌خانه اول» بدان داده‌اند که نسبت به خانه اول گرم‌تر ولی سردتر از «گرم‌خانه دوم» یا خانه سوم بوده است.

در اینجا به مشتریان لُنگ می‌دادند و بدن آماده می‌شد که با گرما و رطوبت درآمیزد. ترتیب خانه‌ها بر این مبنا بود که بدن، چه در ورود و چه در خروج، در معرض تغییر ناگهانی دما و رطوبت قرار نگیرد. امروز نیز دریافته‌ایم که برخی از بیماران، از جمله آنان که نارسایی قلبی یا تنفسی دارند، با تغییر ناگهانی دما و رطوبت ممکن است دچار ایست قلبی یا شوک‌های غیرطبیعی شوند.

۳. خانه سوم

مزاج آن گرم و تر است، که برابر فصل بهار و خلط خون در بدن است. شماری به آن نام «گرم‌خانه دوم» هم داده‌اند. خانه سوم خانه اصلی حمام و جای زدودن چرک و شستشو بود.

عَرَق فراوان آوردن و البته گاهی خوردن آب بسیار گرم، کیسه‌کشی، لیف‌زنی، مشت و مال، زدودن موهای، حجامت و فصد در همین خانه سوم انجام می‌گرفت. به قول علی بن عباس اهوازی، این کارها بدن را کاملاً گرم می‌کند و بسیار به تحلیل می‌برد و فضولات تن را به‌در می‌کند.^{۱۹}

خزینة حمام در همین خانه است. در خزینة حمام، که محل اصلی استحمام بود، آلودگی‌های بدن را می‌شستند و به قول ناصر خسرو، شوخ تن را در آن باز می‌کردند.^{۲۰} گرم‌خانه را از دیوارهای ضخیم با زیرسازی مرمرین و مقاوم در برابر گرما و بخار می‌ساختند. گاهی بخش زیرین دیواره‌ها را قیراندود می‌کردند و روی آن را با ساروج می‌پوشاندند. کف حمام را نیز با قیر می‌اندودند تا در برابر جریان مداوم آب گرم مقاوم باشد. سقف گرم‌خانه معمولاً مرتفع‌تر از خانه‌های دیگر بود و گنبدها (قبه‌ها)ی آن از بیرون دیده می‌شد. طاق اصلی گرم‌خانه جام‌خانه داشت و از شیشه‌های آن روشنائی به درون می‌آمد. حمام را با همین نور طبیعی روشن می‌کردند؛ زیرا روشن کردن چراغ یا شمع یا هر گونه آتشی را که سبب اختلالات قلبی تنفسی می‌گردد برای سلامت زیان‌بخش می‌دانستند. شاید از همین رو بود که هنگام غروب گرمابه‌ها تعطیل و با آغاز روز دوباره گشوده می‌شد.

تون حمام بخش گرماساز حمام بود که در پشت گرم‌خانه (خانه سوم) جای داشت و با تیغه‌ای مشبک از آن جدا می‌شد. هوای گرم شده از طریق این سوراخ‌ها به گرم‌خانه مرکزی وارد می‌شد. گاهی هم تون در زیر گرم‌خانه بود و کف آن و آب خزینة را گرم می‌کرد. آب داغ از مخزن یا فواره وسط خزینة بیرون می‌آمد.

۴. خانه چهارم

مزاج آن را گرم و خشک می‌دانستند، که برابر فصل تابستان و خلط صفرا در بدن است. این خانه گرم‌ترین خانه‌ها بود.

۵. پس از خانه چهارم

در برخی گرمابه‌های مخصوص اعیان، مکانی تعبیه می‌کردند تا حمام‌کنندگان پیش از آنکه در برابر هوای بیرونی قرار بگیرند، اندکی در آن جا درنگ کنند تا رطوبت بدنشان خشک شود. بدین مکان بیت‌المستراح یا استراحتگاه می‌گفتند.

قدما بهترین گرمابه را گرمابه‌ای می‌دانستند که بنایش قدیم و فضایش وسیع و آبش شیرین باشد.^{۲۱} این سینا توصیه کرده است که در فصل بهار آب حمام را با چوب کنجد و چوب پنبه و چوب عدس گرم کنند و از حمامی که با خاشاک و سرگین گرم شده باشد پرهیزند.^{۲۲}

آنچه آمد در متون گوناگون، از جمله متون طبّی، پراکنده است. چنان‌که گفتیم، متونی که تماماً درباره حمام باشد اندک است. رساله دلاکیه یکی از این متون کم‌یاب است.

رساله دلاکیه

در نیمه دوم سده سیزدهم هجری، محمدکریم خان کرمانی (۱۲۲۴-۱۲۸۸ق) به خواهش کربلایی رضا، شهریه به سلمانی، رساله‌ای در متعلقات صنعت دلاکی نوشت. گویا خواننده این رساله خود به فن دلاکی اشتغال یا دست کم تعلق خاطر داشته است؛ زیرا «سلمانی»، که همان پیرایشگر امروزی است، در گذشته در زمره اصحاب حمام بود.

محمدکریم خان پس از فراغت از اشتغالات بسیار، با استخاره از خداوند، رساله‌ای نوشت به نام رساله دلاکیه، که نماینده مجموعه‌ای از باورهای دینی مردمان زمانه و اصول پزشکی کهن است. این رساله در تاریخ چهارم محرم الحرام سنه ۱۲۷۲ق در کرمان به انجام رسید.

از نکته‌هایی که عامل پیوند این رساله و رساله‌های مشابه آن با معماری و دیگر فنون و علوم است تناظر بنای حمام با بدن انسان است؛ از جمله در خصوص عوامل عفونت (تعفن) حمام. مثلاً از نظر محمدکریم خان، همچنان که نباید خلط‌های فاسد (فضولات یا مدفوع و ادرار) در بدن بماند، آبریزگاه را هم نباید در داخل حمام تعبیه کرد.

فهرست ابواب رساله چنین است:

بیت‌المستراح
 این تراسه‌ای است که در پیشانی حمام بنا می‌کنند تا حمام‌کنندگان پیش از آنکه در برابر هوای بیرونی قرار بگیرند، اندکی در آن جا درنگ کنند تا رطوبت بدنشان خشک شود. بدین مکان بیت‌المستراح یا استراحتگاه می‌گفتند.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمین صلی الله علی محمد و آله الطاهین و سلم
 و ما شاء الله فعلی اعدائهم جمعین
 کبریا در در حوائی کربلائی و ضلعش هم رسیده این مدتها
 بیکدیگر خواست کرده بودند که در این رساله
 بصحت و ناک و سر ششغال را با یونجه گمان بود از این
 سالها این رساله را بنام حکمرانها می‌خوانند و این
 نادرین اوان که استخوان کریم از ضلعانده عاود و در
 برای ایشان و این رساله در ضلعانده عاود و در
 این رساله را از این رساله در ضلعانده عاود و در
 تمام بنای استراحتگاه در ضلعانده عاود و در
 و بعضی کتب اندک از این رساله در ضلعانده عاود و در
 نام این رساله را دلاکیه می‌نامند و این رساله در ضلعانده عاود و در

این رساله

مقدمه

باب اول، در حمام رفتن، آنچه باید انسان در حمام بکند

باب دوم، در کتاب‌های متعلقه به حمام

باب سوم، در زایل کردن مو از بدن

باب چهارم، در کیسه کشیدن و سنگ پا به کار بردن و مالش دادن

باب پنجم، در خضاب کردن

باب ششم، در خون کم کردن است

باب هفتم، در کندن دندان است

باب هشتم، در ناخن چیدن

باب نهم، در ختنه کردن است

باب دهم، در شانه کردن عطر به کار بردن بعد از حمام

نگارنده مقاله حاضر رساله دلاکیه را در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۳ش بر اساس سه نسخه، که گویا متن اساس آنها به خط مؤلف یا کاتب مخصوصش بوده، تصحیح و تحقیق کرده است، که امید است به زودی در اختیار خواستاران قرار گیرد. اکنون، به خواهش برخی علاقه‌مندان، مقدمه این رساله، که مرتبط با معماری حمام است، پیش روی خوانندگان نهاده می‌شود.

مؤلف مقدمه رساله را به ساختمان حمام و ویژگی‌های آن اختصاص داده است: نخستین بنیادگذار آن سلیمان پیامبر است؛ حمام را باید بر اساس طبایع چهارگانه نظام طبیعیات کهن متشکل از چهار خانه بسازند؛ سقف آن را مرتفع بگیرند و شیشه روزنه‌هایش

را بردارند تا از عفونت هوا جلوگیری شود؛ اینکه حمام مستراح نداشته باشد؛ و دالان‌های پر پیچ‌وخم داشته باشد تا از تبادل هوا با بیرون کاسته شود.

مقدمه رساله دلاکیه

بدان که حمام بنایی است از وضع حضرت سلیمان؛ چنان‌که نقل کرده‌اند. و بعضی گفته‌اند که از وضع حکماست.

و حمام باید چهارخانه باشد، تا بر نهج اعتدال باشد؛

خانه اول باید سرد و خشک باشد، که در آن آب نباشد.

و خانه دوم باید سرد و تر باشد؛ یعنی حرارت آتش به آن

نرسد و آب سرد داشته باشد.

و خانه سیوم گرم و تر باشد، که بخار اندرون‌خانه به آنجا

برسد و آب هم داشته باشد.

و چهارم خانه باید گرم و خشک باشد، که حرارت آتش

در آنجا قوی باشد. و هوایش به نهایت گرم باشد که عرق آورد و

رطوبت‌های بدن به واسطه عرق کردن کم شود. و به آن واسطه،

گرم و خشک باشد، نه آنکه آب نداشته باشد؛ چنان‌که از حضرت

امام رضا (ع) مروی است که فرمودند که «حمام مرکب است بر

ترکیب بدن انسان؛ و از برای حمام چهارخانه است، مثل چهار

طبیعت جسد: خانه اول سرد و خشک است؛ و دوم سرد و تر؛ و

سیوم گرم و تر؛ و چهارم گرم و خشک.» و فرمودند: «منفعت حمام

عظیم است: بدن را معتدل می‌کند و چرک را می‌برد. پی را ورگ

را نرم می‌کند و تقویت اعضای بزرگ می‌کند و فضول را آب می‌کند

و عفونت را می‌برد. و اگر خواهی در بدن تو جوشش و بخار پیدا

نشود، اول مرتبه در حمام بدن خود را به روغن بنفشه چرب کن،

تا آخر حدیث.

و بدان که حمام باید سقفش بلند باشد، تا هوایش به جهت

مردم و عفونت چرک‌ها و زیرآبها و متوضاها فاسد نشود. و

روزنهما داشته باشد که هر زمان هوای آن متعفن شود، شیشه‌های

آن را بردارند، تا هوای متعفن بیرون رود؛ بلکه اگر هر شب بعد

از بیرون رفتن مردم چند ساعتی بعضی از روزنهما را بردارند که

عفونت بیرون رود بهتر است. و متوضا در اندرون‌خانه نباشد و

راه به آن نداشته باشد، که عفونت داخل گرم‌خانه شود و سوراخ

زیرآب گرم‌خانه بسیار تنگ باشد که عفونت بیرون نیاید.

و باید حمام کهنه باشد، که بوی ساروج و آهک و گل ندهد؛

و بعضی گفته‌اند که هفت سال از بنایش گذشته باشد.

و باید رخت‌کن حمام بسیار سرد نباشد که در هنگام بیرون

آمدن ضرر رساند و چایش عارض شود. و اگر کسی را طاقت

آنجا نباشد، در خانه سیوم جامه را بکند و بپوشد.

و در حمام، بخورهای گرم، مانند کندر، نباید کرد که باعث

سررد و تنگی نفس شود؛ و بلکه بخورهای سرد، مانند صندل،

پسندیده است.

و حذر کند بسیار از افروختن زغال، چه در جامه‌کن و چه

در گرم‌خانه، که سم قاتل است؛ بلکه حذر کند از گذاردن آتش،

اگرچه سوخته باشد، در گرم‌خانه، که بسیار مضر است.

و باید دالان‌های حمام پیچ‌وخم بسیار داشته باشد که هوای

بیرون داخل نشود و گرد و غبار کوچکی داخل نشود که بسیار

مضر است.

و آبها در حوضها و خزانه‌ها به قدر آنکه متعفن شود و

هوای حمام را فاسد کند نگذارد. و همچنین در گوشه و کنار حمام

بهمچپ‌وجه نگذارد که کثافات جمع شود و بماند و بخار کند و هوا را

فاسد کند؛ چرا که اگر هوایش متعفن شد کثیرالضرر است، خاصه

برای دلاکان و کسانی که بسیار در حمام می‌مانند؛ و باعث تبها و

عفونت اخلاط می‌شود.

و همچنین شایسته نیست ند بر در حمام بستن؛ چرا که

چون رطوبت و حرارت بدان رسد، متعفن می‌شود و بخارش باعث

عفونت حمام می‌شود. بلکه بهتر آن است که تخت‌های در متصله و

بی‌فرجه باشد که هوای حمام بیرون نرود.

و نوره‌کش‌خانه در اندرون‌خانه نباید باشد و راه به آنجا نباید

داشته باشد، که عفونت آهک در حمام مضر است. و نوره در حمام

نسازد که بخار آهک در حمام بلند شود.

و بهترین حمام‌ها آن است که آبش شیرین و گوارا باشد و آب

شور و تلخ مضر است به بدن؛ مگر به صاحب استسقا و بلغم مزاج

که برای آنها آب شور نافع‌تر است.

و همچنین باید حمام آبش به آتش گرم شده باشد؛ نه

آنکه از چشمه‌های گرم باشد، که آب چشمه‌های گرم از جهنم و

حرارت جهنم گرم شده است و مضر است و شفا جستن به آنها

خوب نیست؛ چنان‌که از رسول خدا (ص) رسیده است. و به

صفراوی مزاجان بسیار مضر است.

و در هر خانهای از خانهای حمام، آبی مناسب هوای آن

ضرور است و استعمال مناسب آب باید بکند. پس در گرم‌خانه

آب سرد و در سردخانه آب گرم مناسب نباشد.

و حذر کنند از گشودن سوراخ و دودکش حمام در حمام،

چه کسی در حمام باشد و چه نباشد، که باعث عفونت هوای حمام

می‌شود و مورث صداع و خفقان و غشی می‌شود و بسیار مضر

است.

حمامی روند و از غیر آن اجتناب کنند، تا ان شاء الله به سلامت باشند. □

و بهتر آن است که حمام بسیار وسیع باشد که هوایش از بوهای بد و دود قلیان و نفس های مردم به زودی متعفن نگردد. و بهتر آن است که بسیار روشن باشد، که حمام روشن مفرح است و حرارت و قوای انسان را انتعاش می کند و خون را زیاد می کند؛ به خلاف حمام تاریک و تیره، که باعث وحشت و غلبه سودا می گردد. و بهتر آن است که حمام را سفید کنند که سبب روشنایی می شود و تفریح می آورد.

وزمین حمام باید سنگ سخت باشد، تا عفونت قبول نکند و آب در آن نفوذ نکند و نماند. پس اگر ساروج یا آجر باشد، آب در آن نفوذ کند و متعفن شود و بخاری که از آن برمی خیزد متعفن است و مضر است.

کتاب نامه

- ابن اخوه. آیین شهرداری. ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. حفظ الصحة. به کوشش سیدحسین رضوی و منصوره عرب. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
- ابن عبدالحکم. فتوح مصر و المغرب. تصحیح علی بن محمد عمر. قاهره: مکتبه الثقافة، ۱۴۱۵ق.
- اصطخری. مسالک الممالک. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- پرایس، کریستین. تاریخ هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- خواندمیر، حبیب السیر. تصحیح جلال الدین همایی. تهران: خیام، بی تا.
- علی بن عباس اهوازی. کامل الصناعة فی الطب. قم: احیاء طب طبیعی، ۱۳۸۷.
- عنصرالمعالی. قابوس نامه. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- متز، آدام. تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- محمد بن محمود بن احمد طوسی. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات. به کوشش جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز، ۱۳۷۵.
- محمدکریم خان کرمانی. رساله دلاکیه. نسخه خطی ش ۲۹۳۵، به خط محمدرفیع نائینی، کتابخانه مسجد اعظم قم.
- مناظر احسن، محمد. زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ناصر خسرو. سفرنامه. به کوشش نادر وزین پور. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- و لنگها را در اندرون حمام مدتی نگذارد و شب در گرمخانه نگذارد، که به زودی عفونت می کند و هوا را فاسد می کند و هر کس به خود می بندد از عفونت آن متضرر می شود. و لنگها را در آفتاب بخشکانند که عفونتش کم شود و حرارت آفتاب جذب بخارهای متعفن آنها را کند؛ و در سایه، رفع عفونت آنها نمی شود. و همچنین روی سنگ حمام نخشکانند، که بخارهای متعفن از آنها برمی آید و هوا را فاسد می کند. و حمام باید خزانه های متعدد داشته باشد و یک از یک گرم تر باشد، که صاحب هر مزاجی با آب مناسب شستشوی خود را کند: بلغم مزاجان را آب گرم تر شایسته است؛ و صفراومزاجان را آب سردتر؛ و دموومزاجان و سوداومزاجان را آب معتدل بهتر است. در فصل زمستان حمام گرم تر بهتر است و در فصل تابستان معتدل تر.
- و آنچه وارد شده است از حضرت امام موسی (ع)، هر وقت می خواستند به حمام روند، می فرمودند که سه روز آتش کنند؛ و نمی شد که داخل حمام شوند مگر آنکه سیاه را می فرمودند که می رفتند در حمام و نهرها می انداختند. پس وقتی که حضرت می رفتند، گاهی می نشستند و گاهی از شدت گرمی می ایستادند؛ نه از جهت آن است که مستحب است که مردم هم چنین کنند، بلکه مناسب مزاج ایشان چنین بود.
- و صاحب مزاج صفراوی و حمام بسیار گرم البته متضرر می شود و بسا آن که غشی کند. پس حمام باید جاهای خنک تر و جاهای گرم تر داشته باشد، تا صفراویان در موضع خنک تر حمام در نزد حوض های سرد بنشینند و بلغم مزاجان در مواضع گرم که در زیرش آتش باشد بنشینند. و دموی و سوداومزاجان در جاهای معتدل بنشینند.
- این جملی است از امر حمام که نوشته شد به جهت آنکه هرکس می سازد و مباشر می شود چنین کند و غیر آنها در چنین

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدکریمخان کرمانی، رساله دلاکیه، ب ۱.
۲. خواندمیر، حبیب السیر، ۱: ۱۷۸.
۳. مثلاً محمد بن محمود همدانی در نسخه‌ای متعلق به سده ششم از چشمه زراوند، میان خرقان و قزوین، یاد کرده است: «آبی گرم است و شریف و نافع به اجماع. هر آدمی و چهارپای که آن را جراحی‌ها بُود و جُدام و پادها و علت‌های عُسرة البرء، وی را در آن آب نشانند مُندَمیل گردد و بگشاید [...] شخصی را تبری زده بودند و پیکان در اعضای وی مانده و گوشت به سر پیکان درآمده و مردم می‌گفتند این پیکان به جگر رسیده است. سه روز وی را در این آب نشانند، پیکان از پهلو وی بیرون آمد.» — نقل شده در: محمد بن محمود بن احمد طوسی، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، ۱۰۷.
۴. اصطخری در مسالک الممالک از حمام‌هایی از این نوع در تفلیس خبر می‌دهد: «و تفلیس مدینه دوتون باب الابواب فی الکبر و علیها سوران من طین و لها ثلاثة ابواب و هی خصبة جداً کثیرة الفواکه و الزروع و هی ثغر و بها حمامات مثل حمامات طبریه ماؤها سخن من غیر نار.» — اصطخری، مسالک الممالک، ۱۸۶.
۵. کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۱: ۲۶.
۶. همان، ۱: ۱۲۶.
اینکه در گذشته در ایران، پیش و پس از اسلام، به حمام‌های عمومی نظر مساعد نداشته‌اند شاید از جهتی ناشی از شیوع فسادهای اخلاقی و اجتماعی باشد. به همین سبب، در بعضی از دوره‌ها مردم ترجیح می‌دادند در خانه شستشو کنند. را در خانه‌ها و به شکل ساده‌تر و ابتدایی‌تر انجام دهند.
۷. ماخذ این مطلب کتاب ابن عبدالحکم است؛ آنجا که می‌گوید: «الحمام الذی یقال له حمام الفار. و إنما قیل له حمام الفار ان حمامات الروم کانت دیبسات کبار. فلما بیی هذا الحمام، و رأوا صغره، قالوا: من یدخل هذا! هذا حمام الفار.» — ابن عبدالحکم، فتوح مصر و المغرب، ۱۲۱. سیوطی نیز همین مطلب را از او نقل کرده است.
۸. کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۱۷-۱۸.
۹. ابن زبیر، ذخائر، ۲۴۸.
۱۰. آدام متز، تاریخ تمدن اسلامی، ۱: ۱۲۷.
۱۱. ناصر خسرو، سفرنامه، ۸۹.
۱۲. عنصرالمعالی، قابوس‌نامه، ۸۹.
۱۳. همان، ۸۸-۸۹.
۱۴. برخی از رساله‌های عربی مربوط به حمام در سده‌های هشتم تا دهم هجری:
الإمام یأداب دخول الحمام، ۷۵۳ق؛
القول التام فی آداب الدخول الحمام، سده هشتم؛
مقاله فی الحمام، سده دهم؛
داود ضریر انطاکی، رساله فی الحمام، سده دهم؛
التحفة البکریة فی احکام الاستحمام الکلیة و الجزئیة؛
محمد بن عبدالله الشبلی السابقی، کتاب فی آداب الحمام.
۱۵. ابن سینا، حفظ الصحة، ۳۶۵-۳۶۹.
۱۶. همان، ۳۶۹.
۱۷. خدمه حمام دست‌کم پنج نفر بودند: حمامی، دلاک، هیزم‌کش، تونبان و آب‌کش. — آدام متز، تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ۱: ۱۲۷. صابی، به نقل از مهماندار، این گروه را دست‌کم شش تن یاد کرده است: (۱) قییم، که رئیس یا دارنده حمام بود؛ (۲) کرایه‌دار گرمابه، که کارش خوش آمد گفتن به مشتریان بود و دست‌مزدها را دریافت می‌کرد؛ (۳) صاحب صندوق، که نظارت